

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Evaluation of Wayfinding Behavior in Men and Women with Emphasis on Emotional Intelligence

در همین شماره به چاپ رسیده است.

ارزیابی رفتار مسیریابی در زنان و مردان با تأکید بر هوش هیجانی

شیمای عابدی*^۱، تکتیم حنایی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

شهر و علوم رفتاری

مقاله تخصصی

چکیده:

هوش هیجانی از جمله عامل تأثیرگذار در حیطه روانشناسی است و با عواملی مانند خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط با مسیریابی می‌تواند ارتباط داشته باشد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی رفتار مسیریابی زنان و مردان با تأکید بر هوش هیجانی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و در این راستا به منظور گردآوری داده‌ها از مشاهدات میدانی، پرسشنامه، بازدید سایت و تکنیک نقشه شناختی استفاده شده است. بر اساس حجم جامعه در محله سجاد شهر مشهد با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۹۶ نفر محاسبه شده است و پرسشنامه به صورت نمونه‌گیری هدفمند در میان از مردان و زنان تکمیل گردیده است. تحلیل داده‌ها برای تأثیر هوش هیجانی بر مسیریابی با آزمون‌های آمار استنباطی در نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است و پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها بر اساس آزمون کولموگروف-اسمیرنف، ماتریس همبستگی متغیرها، بررسی ضریب همبستگی متغیرهای مسیریابی مردان و زنان، آزمون t تحلیل گردیده است؛ در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک پرسشنامه نقشه‌های شناختی ترسیمی به صورت کروکی در محله سجاد تکمیل شده است. نتایج حاکی از آن است که رفتار مسیریابی زنان و مردان متفاوت است و زنان در مسیریابی از دانش مسیر و نشانه استفاده می‌کنند. زنان در فرآیند مسیریابی کنترل اضطراب و نگرانی کمتری دارند و همچنین خودآگاهی کمتری نیز نسبت به مردان دارند. همچنین زنان در ارتباط برقرار کردن در مسیریابی احساس صمیمیت و همدلی بیشتری دارند، اما در مدیریت اضطراب دچار مشکل می‌شوند و توانایی پایینی دارند و در مقابل مردان در مسیریابی از دانش مختصات و پیمایش استفاده می‌کنند. همچنین مدیریت اضطراب در مردان بالا است و خودآگاهی و خود مدیریتی مردان بالاتر است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۹/۲۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۱۲/۲۶

واژگان کلیدی:

جنسیت،

مسیریابی،

هوش هیجانی،

محله سجاد،

شهر مشهد.

*

نویسنده مسئول: +989154449257, Shimaabedi67@gmail.com

مقدمه

به عنوان عنصر بنیادین سرشت انسان مطرح کرده اند (رامین و همکاران، ۱۴۰۰).

در ارتباط با هوش هیجانی و جنبه های جذاب و گسترده آن میتوان گفت در دهه های اخیر علاوه بر روانشناسان و روانپزشکان، توجه عموم را به خود جلب نموده است. به کارگیری مفهوم هوش اجتماعی برای اولین بار به دهه ۱۹۴۰ باز میگردد؛ پس از آن مایر و سالووی، اصطلاح هوش هیجانی را توصیف کردند (سلطانی فر، ۱۳۸۶). واژه هوش هیجانی بهره هیجانی به عنوان پرکاربردترین لغات و مفاهیم جدید در سال ۱۹۹۵ از سوی جامعه ی دیالکت امریکا انتخاب گردیدند. در سال ۱۹۸۰ رون بارآن ۴، برای اولین بار مخفف بهره ی هیجانی یا EQ را برای دسته ای از تواناییها به کاربرد و اولین آزمون در این مورد را ساخت. در سال ۱۹۹۰ سالووی و مایر مفهوم اساسی تئوری خود را برای اولین بار تحت عنوان هوش هیجانی به چاپ رساندند. سالووی و مایر در سال ۱۹۹۰ دو مقاله علمی در ارتباط با هوش هیجانی منتشر نمودند و در آن هوش هیجانی را توانایی هدایت هیجانات و احساسات خود و دیگران معرفی کردند؛ به گونه ای که فرد بتواند میان آنها تمایز قائل شده و آنها را به منظور جهت دهی تفکر و اندیشه و فعالیت های فردی استفاده کند.

هوش هیجانی دارای مزایای اجتماعی، شناختی و زیست شناختی میباشد. پژوهش ها نشان داده اند، افراد با هوش هیجانی بالا، سطوح پایینتری از هورمونهای استرس و دیگر نشانگرهای برانگیختگی هیجانی را دارا هستند. بنا بر تعریف سالووی و جان مایر- بنیانگذاران نظریه ی هوش هیجانی- هوش هیجانی یعنی توانایی فرد در نظارت بر احساس ها و هیجان های خود و دیگران به منظور متمایز ساختن آنها از یکدیگر و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود. از نظر "بار- آن" هوش هیجانی شامل مجموعه های از تواناییها، کفایتها و مهارتهای غیرشناختی است که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با احتیاجات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار میدهد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵).

هوش هیجانی از سوی برخی از محققان شامل متغیرهای شخصیتی است. "بار- آن" نشان داد که افراد دارای سن و جنس متفاوت، بهره هیجانی یا نیمرخ های هیجانی متفاوتی دارند (حسین زاد و همکاران، ۱۳۹۳).

امروزه گسترش بدون برنامه شهرها، آشفستگی کالبدی، فقدان پیوند منطقی بین اجزا کالبدی شهر و ناکارآمدی نمادها و نشانه ها موجب بحران ادراکی و تضاد الگوهای رفتاری با محتوای عملکردی فضای شهری شده است و مفهوم بسیاری از فضاهای شهری را دگرگون ساخته است. کیفیت کالبدی شکل گرفته در چنین محیطهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای کاربران نیست و امکان تشخیص و درک محیط توسط ناظران را به حداقل می رساند و مشکلاتی در جهت گیری و مسیریابی استفاده کنندگان فضا به وجود می آورد. این امر توجه به ابعاد کالبدی فضاهای شهری در جهت برآوردن نیازهای ادراکی شهروندان را ضروری می کند به گونه ای که با بهبود قابلیت های ادراکی محیط بتوان رفتار جهت گیری و مسیریابی کاربران را تسهیل کرد (دنیوی، ۱۳۹۷). فرآیندهای ادراک و شناخت هم در مرحله جمع آوری اطلاعات و هم در مرحله تفسیر آنها، تحت تأثیر عوامل روان شناختی مانند نیازها و انگیزه ها و عوامل متعددی قرار می گیرند که خود آنها نیز از شرایط محیطی تأثیر می پذیرند (مرتضوی ۹۰، ۱۳۸۰). طی ده سال گذشته، پژوهشگرانی که در زمینه روان شناختی به پژوهش پرداخته اند، توجه زیادی به رابطه هوش هیجانی - اجتماعی و تیپ های روان شناختی نشان داده اند. الگو روان شناختی، ترجیح های روان شناختی افراد را در توجه، دریافت، پردازش و تصمیم گیری درباره انواع اطلاعات و همچنین مدل جامعی از پویایی های ذهنی فرد در سازگاری، مقابله و پیشرفت در زندگی را نشان می دهد (شکیبا و همکاران، ۱۳۸۷). بررسی تأثیر عواطف و احساسات بر رفتار، آخرین تلاش برای درک، فهم و علت پویایی شخصیت انسان است، بر این اساس هوش هیجانی به عنوان آگاهی از این موضوع است که چگونه حالات عاطفی بر افکار و رفتار ما تأثیر می گذارند (شورچی گلنگدیری و همکاران، ۱۳۹۲). هوش هیجانی یک عنصر بنیادین از رفتار انسان است که جدا از هوش شناختی عمل میکند. این هوش، با تعادل برقرار کردن بین احساسات و عقل، میتواند انسان را به حداکثر کامیابی برساند. هوش هیجانی را میتوان به قدمت رفتار انسانی دانست. از انجیل عهد قدیم و عهد جدید و فلاسفه یونانی گرفته تا شکسپیر، توماس جفرسون و روانشناسی مدرن، جنبه هیجانی منطق را

یکی از عوامل تأثیرگذار بر حافظه انسان هیجان است، که نقش مهمی را در زندگی ایفا می‌کند. هیجان به رؤیاهای، خاطرات و ادراک ما انرژی می‌دهد؛ در ادامه می‌توان به سه مؤلفه اصلی هیجان اشاره نمود که شامل مؤلفه شناختی، مؤلفه فیزیولوژیکی و مؤلفه رفتاری است.

بنابراین در فضاهای شهری زنان و مردان با توجه به هوش هیجانی متفاوتی که دارند رفتار مسیریابی متفاوت نیز دارند. مطالعات زیادی پیرامون موضوع مسیریابی زنان و مردان انجام شده است، اما در هیچ‌کدام از مطالعات به تأثیر هوش هیجانی پرداخته نشده است. موضوع مسیریابی به موضوعات ادراکی، حافظه و نحوه بازخوانی اطلاعات می‌پردازد و از طرفی هوش هیجانی به احساسات و حافظه فرد می‌پردازد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان با بررسی رفتار زنان و مردان به سهولت مسیریابی کمک کرد؟ با توجه به این که حضور شهروندان در فضای شهری، از جمله نکات اساسی در طراحی شهری است، بنابراین توجه به نیازهای روان‌شناختی شهروندان در فضای شهری دارای اهمیت است. با توجه به اینکه محله سجاد شهر مشهد از جمله محلاتی است که در آن کاربری‌های تجاری در سطح منطقه فعالیت می‌کنند و محله‌ای پرمخاطب است، حضور مردان و زنان در عرصه‌های متفاوت این محله به چشم می‌خورد. در این محله پاساژها و اماکن دیگر سبب سرزندگی و حضور مردم در اوقات مختلف روز می‌شود. با توجه به اینکه این محله مخاطب زیادی دارد، بحث کیفیت خوانایی در جهت سهولت مسیریابی زنان و مردان توجه به این محله دوچندان می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی و تحلیل مسیریابی افراد و مؤلفه‌های هوش هیجانی در جهت خوانایی مسیریابی مردان و زنان، به مطالعه محله سجاد می‌پردازد. توجه به هوش هیجانی در زنان و مردان می‌تواند به طراحان شهری در جهت خلق فضاهایی قابل‌ادراک و خوانا برای حضور شهروندان کمک می‌کند.

مبانی نظری

• هوش هیجانی

از قدیم الایام اعتقاد بر این بود که انسان موجودی خردمند است که آزادانه اهداف خود را انتخاب و درباره‌ی راه و رسم زندگی و کنش خود عاقلانه تصمیم می‌گیرد؛ بنابراین مفهومی تحت عنوان هیجان در انسان معنایی نداشت. فلاسفه نیز تا

قرن ۱۷ و ۱۸ بر مفهوم خردگرایی انسان اعتقاد داشتند تا اینکه در اوایل قرن ۱۸ دیوید هیوم فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی موضوع برتری عقل و خرد بر هیجان را به چالش کشید. علاوه بر هیوم، چارلز داروین در قرن ۱۹ میلادی مدعی بود که ابزار عواطف (هیجان‌ات) در رفتار سازگاران‌ی افراد نقش اساسی ایفا می‌نماید. هر دو فلسفه‌ی هیوم و تحقیقات داروین در زمینه‌ی هیجان، تفکری را که عقل (خرد و منطق) را برتر از هیجان میدانست به چالش کشید و جایگاه هیجان را نیز در معادلات رفتار ذهنی باز کرد (کیا و حیدری، ۱۳۹۵). پیشینه هوش هیجانی EQ را میتوان در ایده‌های وکسلر (روانشناس) به هنگام تبیین جنبه‌های غیرشناختی هوش عمومی جستجو کرد؛ وکسلر درصدد آن بود که جنبه‌های غیرشناختی و شناختی هوش عمومی را با هم بسنجد. تلاش او در زمینه درک و فهم سازگاری اجتماعی و در تنظیم تصاویر شناخت و تمیز موقعیتهای اجتماعی بود (نازی دیزجی، ۱۳۹۱).

موضوع دیگری که در روانشناسی مثبت نگر به آن توجه شده است هوش هیجانی است (براکت و همکاران، ۲۰۰۶). مسأله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت‌های فردی را در بین انسانها موجب می‌شود از ابتدای تاریخ مکتوب انسان مورد توجه بوده است. اما از آغاز مطالعه هوش غالباً بر جنبه‌های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسأله و تفکر تأکید شده است. در حالیکه امروزه نه تنها جنبه‌های غیرشناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی و شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد بلکه در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است (حسینیان و همکاران، ۱۳۹۰).

ریشه‌های تاریخی این مفهوم را می‌توان در قرن ۱۹ جستجو کرد. داروین در سال ۱۸۷۲ میلادی، اولین نوشته خود را در این زمینه منتشر نمود. او اثبات کرد که ابزار عواطف در رفتارهای سازگاران‌ی افراد، نقش اساسی ایفا می‌کند (صفوی و همکاران، ۱۳۸۸).

اصطلاح هوش هیجانی برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ در ادبیات علمی مطرح شد و هوش هیجانی شامل توانایی انجام استدلال دقیق درباره احساسات و توانایی استفاده از احساسات و دانش

در مقابل ناملایمات پایداری کند و کامیابی را به تعویق بیندازد، حالات روحی خود را تنظیم نماید و نگذارد پریشانی خاطر، قدرت تفکر او را خدشه دار سازد، با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد (رنجبردار، ۱۳۸۹، ۱۲).

• جنسیت و هوش هیجانی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، زنان از نظر احساسی آگاهی بیشتری دارند و همدلی بیشتری نشان می‌دهند، در حالی که مردان در مدیریت و تنظیم احساسات بهتر هستند. همچنین زنان در مقیاس بین فردی نمره بالاتری نسبت به مردان دارند، در حالی که مردان در مقیاس‌های بین فردی، سازگاری و مدیریت استرس نمره بالاتری برای درک خود دارند (Esnaola et al, 2017). زنان به طور متوسط از احساسات خود آگاهی بیشتری دارند و همدلی بیشتری نشان می‌دهند. از طرف دیگر، مردان اعتماد به نفس، خوش بینی و سازگاری بیشتری دارند و در مقابل مردان نیز بهتر از زنان قادر به کنترل استرس هستند. زنان از هوش هیجانی بالاتری نسبت به مردان برخوردار هستند. از آنجا که زنان در روابط نسبت به مردان تمایل به احساسات و صمیمیت بیشتری دارند، بنابراین هوش هیجانی آن‌ها باید بالاتر از مردان باشد. نتیجه یافته‌ها نشان داد که زنان از نظر هوش هیجانی نمره کاملاً بالاتری نسبت به مردان دارند (Verma & Dash, 2014). براکت، مایر و وارنر (۲۰۰۴)، گزارش دادند که امتیازات هوش هیجانی در زنان به طور قابل توجهی بالاتر از مردان است و دختران نوجوان دارای سطح هوش هیجانی بالاتری نسبت به پسران هستند (Nayak, 2014). زنان دارای هوش هیجانی بالایی هستند و احساسات خود را به طور مستقیم ابراز می‌کنند و درباره خودشان احساس مثبتی دارند و زندگی برای آن‌ها سرشار از معناست. آنان هم مانند مردان خوش برخورد و اجتماعی هستند و احساسات خود را به طور مقتضی ابراز می‌دارند و خود را به خوبی با فشارهای عصبی منطبق می‌کنند و جایگاه اجتماعی آنان به آن‌ها امکان می‌دهد تا به آسانی با افراد جدید روبرو شوند و با خودشان به قدر کافی راحت هستند تا آنکه بتوانند شوخ طبع، خودانگیخته و در مقابل تجارب عاطفی پذیرا باشند (جعفری ۱۳۸۸، ۷۴).

عاطفی برای تقویت فکر است. همچنین توانایی درک دقیق، ارزیابی و ابراز احساسات، توانایی دسترسی و یا ایجاد احساسات در هنگام تسهیل تفکر است (Costarelli, et al, 2009) & (Berrocal & Extremera, 2006). به عنوان یکی از ابعاد روان‌شناختی بسیار مهم در فعالیت‌های روزمره، از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است که انسان را قادر می‌سازد تا اطلاعات پیچیده را ارزیابی و از آن‌ها به عنوان راهنمایی برای تفکر و رفتار استفاده کند (گلشیری و همکاران، ۱۳۹۵).

هوش هیجانی پدیده‌ای نه تنها دارای ابعاد روان‌شناختی است، بلکه با ارتقای آن می‌توان پاسخ‌های مناسبی برای بسیاری از مشکلات زندگی یافت. اگر انسان از هوش هیجانی بالایی بهره‌مند باشد، می‌تواند با چالش‌های زندگی فردی و اجتماعی بهتر منطبق شود و هیجان‌های خود را به گونه‌ای مؤثر مدیریت کند و در نتیجه زمینه افزایش سلامت جسم و روان خود را فراهم آورد. (قلی زاده تهرانی و همکاران، ۱۳۹۳) هوش هیجانی به مجموعه مهارت‌هایی از قبیل کنترل خود، عزم راسخ، انگیزش خود و حساسیت به احساسات دیگران اشاره دارد (Nasir & Masrur, 2010) و همچنین ادراک احساسات توانایی شناسایی احساسات در خود و دیگران است. تسهیل احساسات توانایی استفاده از اطلاعاتی است که احساسات احساس شده را به منظور اولویت‌بندی و هدایت تفکر توضیح می‌دهد. درک احساسات توانایی درک روابط بین احساسات و نحوه انتقال احساسات از یک حالت به حالت دیگر است. تنظیم یا مدیریت احساسات توانایی تنظیم احساسات در خود و دیگران است (Shiple et al, 2010). گلمن (۱۹۹۸)، معتقد است که پنج بُعد هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزه، همدلی و مدیریت روابط در چهار مقیاس اصلی هوش هیجانی است (Ugoani et al, 2015). "بار-آن" (۲۰۰۰)، با تعریف گلمن از هوش هیجانی به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و شخصی موافق است که توانایی فرد در موفقیت در کنار آمدن با فشارهای محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هوش هیجانی دارای چهار بخش درک احساسات، استدلال با احساسات، درک، حرکت، مدیریت احساسات هوش هیجانی است و همچنین دارای چهار ویژگی خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط است (Preeti, 2013). به عبارتی دیگر، شامل توانایی‌هایی است که فرد بتواند انگیزه‌ی خود را حفظ نماید،

(J. Ewart & Johnson, 2021)

مسیریابی عنوان «روش هایی است که افراد از طریق آن در فضای فیزیکی جهت گیری می کنند و از مبدأ به مقصد می روند». هنگامی که افراد سعی می کنند در یک محیط خارجی راه خود را به مقصدی بیابند، به دنبال اطلاعات خارجی می گردند که جهت گیری و فرآیندهای مسیریابی آنها را در این محیط ناآشنا تکمیل کند (Irshad et.al, 2021). مسیریابی مستلزم جهت یابی در محیط خود، تعیین جهت مورد نظر در صورت امکان، اندازه گیری فاصله تا یک مکان شناخته شده در صورت وجود، انتخاب مسیر برای سفر، و شناخت مقصد مورد نظر در بدو ورود است (Bas & Dörfler, 2021). رفتار مسیریابی عابران پیاده در موقعیت های روزانه منطقی تر است، بنابراین علائم راهنمایی در هدایت مسیرهای عابر پیاده در هر روز کارآمدتر از موقعیت های اضطراری هستند. دید علائم با جذابیت، فاصله بین عابران پیاده و علائم و اشغال علائم در میدان دید عابران پیاده مرتبط است (Li et.al, 2021). مسیریابی شامل ادراک حسی و شناخت فضایی است، مانند جهت گیری در یک فضا، برنامه ریزی مسیر، انتخاب مسیر بین نقطه شروع و پایان، نظارت بر پیشرفت در حین حرکت به سمت مقصد، و شناخت مقصد پس از رسیدن به آن است. در حالی که مسیریاب ها به طور هدفمند در فضا حرکت می کنند، اطلاعات را (برای به دست آوردن یک بازنمایی ذهنی، یا "نقشه شناختی" از محیط و نحوه قرارگیری آنها در آن محیط) درک و پردازش می کنند و از این اطلاعات برای انتخاب مسیر در نقاط تصمیم گیری، جایی که بیش از یک گزینه مسیر وجود دارد، استفاده می کنند (Kuliga et.al, 2021).

رفتار مسیریابی شهری با راهبردهایی تعریف می شود که مردم برای تصمیم گیری در مورد چگونگی حرکت از یک مکان به مکان دیگر در یک شهر استفاده می کنند (Zomer et.al:2021).

مسیریابی، توانایی فردی برای رسیدن به مقصد فضایی در محیط های پیچیده است تا فرد بتواند به آسانی در محیط های آشنا به انتخاب مسیر پردازد. مسیریابی نقش مهمی در مکان های عمومی مانند مراکز خرید، فرودگاه ها، ایستگاه های راه آهن، مدارس، بیمارستان ها و غیره دارد. افراد در هنگام مسیریابی ممکن است دارای احساس های مختلفی مانند نا-امیدی و ترس از حضور در مکان های مختلف شوند

جامعه شناسان بین جنس و جنسیت تفاوت قائل هستند، به گونه ای که جنس براساس تفاوت ویژگی های جسمی به وجود می آید در صورتی که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد یا زن بودن را نشان می دهند و مفهوم آن دو جنس و جنسیت با حدود بدن افراد تعریف نمی شود و در فرهنگ های گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی تغییر پذیر است (هولمز، ۱۳۸۷).

پیش از بحث درباره ی تأثیر جنسیت بر هوش هیجانی ضروری است که به تمایز مهم و در عین حال پر مناقشه ای که بین دو مفهوم جنس و جنسیت وجود دارد اشاره شود. واژه ی جنس مبهم است زیرا می توان آن را هم به گروهی از افراد و هم به کارهایی مثل امور جنسی اطلاق کرد. استفاده مناسب از واژه جنس و جنسیت به احتمال، منشأ مهم ترین اختلاف نظرها بوده است. مکابی (۱۹۸۸) به کاربرد مترادف این دو واژه معتقد است؛ ولستون کرافت مفهوم جنس را در عمل معادل با جنسیت به کار برده و جنبه ی زیست شناختی زنان را عامل مهمی برای تمایز زن و مرد نمی داند؛ فایرستون نیز معتقد است که با پیشرفت های علمی و فنی، جنس و جنسیت مفهوم امروزین خود را از دست خواهد داد؛ هاید برای کاهش ابهام، اصطلاح جنس را در مورد رفتارهای جنسی و اصطلاح جنسیت را برای استناد کردن به مردان و زنان به کار می گیرد. مطابق با نظر اکل (۱۹۸۱) جنس به تقسیم زیست شناختی زن و مرد ناظر است؛ فریدمن (۲۰۰۱) نیز به این تفاوت قائل است، بدین معنی که مؤنث یا زنانه یک گروه زیست شناختی است که زنان به آن تعلق دارند و جنس زیست شناختی تفاوتی است که به طور طبیعی پیش می آید. بدین ترتیب واژه جنس مبین یک اساس بیولوژیکی برای رفتار است (رستگار خالد، ۱۳۸۹).

با وجود این همه توجه به جنسیت، در علوم همچون جامعه شناسی به تأثیر جنسیت و نابرابری های جنسیتی در فرایند هوش هیجانی و رفتارهای انسانها در فضای شهری در مقایسه با تأکید بر نابرابری های قومی و طبقاتی توجه کمتری شده است.

• جنسیت و مسیریابی

درک روند مسیریابی از دریچه روانشناسی دیده می شود

(Megan E. Martin, 2017). تفاوت‌های فردی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، اختلافات شغلی یا فرهنگی می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر بگذارد. مردان بیشتر در موقعیت فضایی دقیق هستند و از جهت اصلی استفاده می‌کنند، در حالی که زنان برای شناسایی نقاط دیدنی به حافظه خود متکی هستند (Xia et al. 2008). مردان در اولویت اول به معابر اهمیت می‌دهند و خطوط راهنما بین نقطه مبدأ و مقصد را در ذهن خود ترسیم می‌کنند و شمردن تعداد تقاطع‌ها، انتخاب کردن مسیرهای متفاوت و حرکت در میان مسیرهای پرپیچ و خم به‌عنوان مطلوب در مسیریابی مردان محسوب می‌شوند. نشانه‌ها راهنمایی دیگر در مسیریابی مردان به شمار می‌روند و زنان از عناصر بصری متفاوتی در فرآیند مسیریابی استفاده می‌کنند، آن‌ها در اولویت اول به عناصر نقطه‌ای شامل نشانه‌ها توجه نموده و نشانه‌های نزدیک پی‌درپی برایشان بهترین راهنما به شمار می‌روند. نوع فعالیت‌ها کمتر برای زنان اهمیت داشته و آن‌ها در تعیین موقعیت قرارگیری با مشکل مواجه هستند. در ارتباط با چگونگی استفاده از معابر در تعیین مسیر، انتخاب مسیرهای یکسان و حرکت در میان مسیرهای مستقیم برای زنان مطلوب‌تر است (حبیب و حنایی، ۱۳۹۶). رفتار مسیریابی فرآیندی است که در آن افراد درک می‌کنند که در کدام محیط خارجی با استفاده از روش خاصی قرار دارند و بر اساس آن مسیر را انتخاب می‌کنند. ایوانز و همکاران رفتار مسیریابی را به عنوان "کار شناخت و واکنش به محیط پیچیده فضایی و هدایت سیستم‌های نشانه" از دیدگاه ادراک انسان تعریف کردند. برخی از مطالعات ادعا کرده‌اند که توانایی مسیریابی مردان به دلیل تفاوت در اولویت بین مردان و زنان در راهبردهای مسیریابی اتخاذ شده، بهتر از زنان است. مردان معمولاً از راهبرد اقلیدسی استفاده می‌کنند در حالی که زنان معمولاً از یک راهبرد مهم برای یافتن راه خود استفاده می‌کنند. با این حال، اگر تمرکز بر زمان صرف شده در فرآیند مسیریابی و میزان تردید و تأخیر در نقاط تصمیم‌گیری باشد، تفاوت معناداری بین زن و مرد وجود ندارد. در مورد رابطه بین سن و توانایی مسیریابی، اکثر مطالعات بر این باورند که افراد مسن عملکرد بدتری در مورد مسیریابی دارند. به‌طور کلی، رفتار مسیریابی مبتنی بر یک عمل پردازش اطلاعات خطی نیست، بلکه یک فرآیند اطلاعاتی بازگشتی است. فرآیندهای تصمیم‌گیری پس

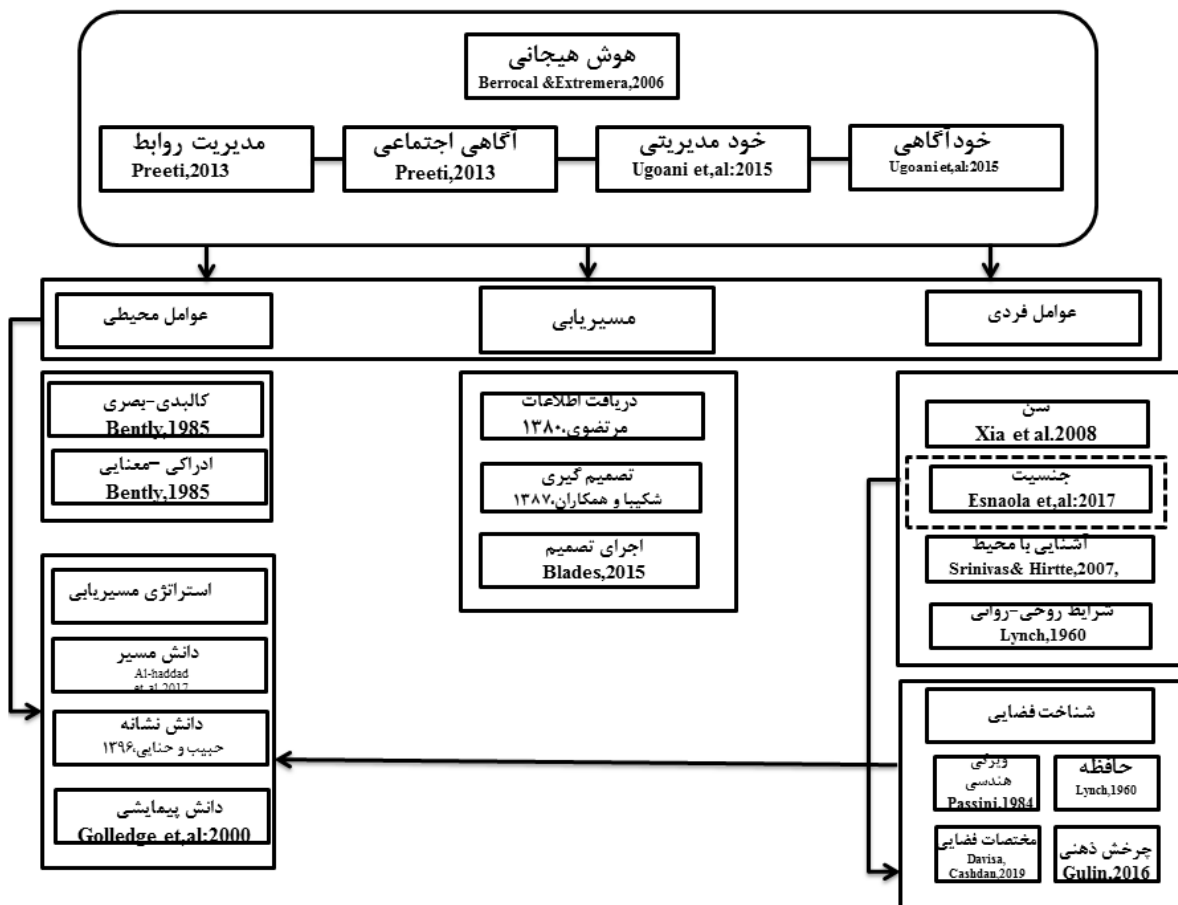
(Khomeh, 2014). مردم دارای سه نوع راهبرد مسیریابی شامل دانش مسیر، به یادآوردن حرکت پی‌درپی در هر تقاطع یک محیط قبل از رسیدن به مقصد، دانش نشانه و به یادآوردن عناصر شاخص در محیط و دانش پیمایشی، درجایی که موضوع یک تصویرسازی ذهنی از محیط برای مسیریابی خود ایجاد می‌کند، هستند. زنان از دانش مسیر استفاده می‌کنند، مردان از دانش پیمایشی استفاده می‌کنند. زنان به راهبرد دانش مسیر اعتماد می‌کنند و در مقابل مردان با استفاده از دانش پیمایشی، موقعیت خود در محیط را شناسایی می‌کنند و زنان برخلاف مردان از مسیریابی در محیط نگرانی دارند (Al-haddad et al., 2017). مردان در بسیاری از آزمون‌های فضایی و نه همه آزمون‌ها در مقیاس کوچک عملکرد بهتری دارند، به‌ویژه توانایی تجسم آنچه یک شی در صورت چرخش در مورد محور خود (چرخش ذهنی) و ارزیابی دقیق زاویه‌ها به نظر می‌رسد. این‌ها بزرگ‌ترین تفاوت‌های شناختی جنسی شناخته‌شده است. مردان همچنین در بسیاری از مطالعات که شامل حرکت در فضاهای واقعی و در فضای باز هستند بهتر عمل می‌کنند. به‌ویژه هنگامی که در مسیریابی راه به‌جای نشانه‌های شاخص به ویژگی‌های هندسی تکیه می‌کنند؛ مردان توانایی‌های فضایی بیشتری از زنان در چالش‌های فضایی دارند. جستجوی گسترده‌تری ممکن است مردان را وادار کند تا در مناطق جدیدی که در آنها هیچ دسترسی به نشانه‌های محلی آشنا ندارند، به کاوش بپردازند. مردان دامنه‌های بزرگ‌تر توانایی فضایی بهتر در آزمون چرخش ذهنی را دارند، در حالی که چنین رابطه‌ای برای زنان وجود ندارد (Gaulin & Cashdan, 2016). تفاوت‌های جنسیتی در برخی از توانایی‌های شناختی فضایی به‌خوبی در مطالعات غربی اثبات شده است، همچنین تفاوت‌های جنسیتی در تنظیمات بازی و تجربیات فضایی که ممکن است باعث تقویت آن توانایی‌ها شود، دیده می‌شود. احتمالاً این اختلافات جنسیتی نه‌فقط با انتظارات فرهنگی بلکه با تمایلات و ترجیحات تکامل‌یافته جنسی شکل می‌گیرد مردان دامنه‌های بزرگ‌تر مزایای تکاملی را بیشتر کسب کرده‌اند (Davaia, Cashdan, 2019). مردان توانایی بالاتری برای استفاده از توانایی‌های فضایی دارند و توانایی فضایی در مردان بیشتر از زنان است. زنان تمایل به استفاده از دانش مسیر را ترجیح می‌دهند و زنان اضطراب فضایی بیشتری نسبت به مردان دارند

دهیم تا چشمان ذهن به متجسم کردن تصاویر و مناظر به منظور افزایش ظرفیت ذهنی بپردازند تا موجب ارتقاء یادآوری و یادگیری اطلاعات شویم (Kuipers, 1982). کوین لینچ در سال ۱۹۶۰ با انتشار کتاب سیمای شهر یکی از اولین پژوهشگرانی است که نقشه‌های شناختی و ارتباط آن با مسیریابی انسان در محیط را مورد بررسی قرار داد. او به پیوند و ارتباط معنی دار تصاویر به دست آمده از نقشه‌های شناختی با طراحی محیط توسط طراحان و برنامه ریزان اشاره داشت (Passini et al. 1990) (Casakin et. al ;2000). نقشه برداری شناختی جزء اصلی دانش فضایی است که شامل فرایندهایی است که فرد باید آگاهانه یا ناخودآگاه در طول مسیریابی انجام دهد. در این مرحله، اطلاعات استخراج شده از فضا و معماری نه تنها برای تصمیم گیری، اجرای تصمیم و نه فقط برای استفاده از معماری

از دریافت محرک های مختلف بر اساس اطلاعات محیطی، از جمله شناخت ساختار پیچیده محیط فضایی و گرافیک سیستم های نشانه هدایت کننده، در سطح روانشناختی با یکدیگر تعامل دارند (Chen et,al:2021).

• نقشه شناختی

اصطلاح نقشه شناختی و یا نقشه های ادراکی، نخستین بار در سال ۱۹۴۸ توسط تولمن مطرح گردید. وی در مطالعات خود برای تخمین رفتار موش ها در محیط های پر پیچ و خم به دنبال غذا، از این اصطلاح استفاده کرد. نقشه شناختی نوعی فرآیندهای ذهنی می باشد که توسط یک شخص از دریافت کردن، قاعده دار کردن، ذخیره کردن و باز نمایی اطلاعات مربوط به مکان های مرتبط و ویژگی های پدیده ها در محیط صورت می پذیرد. به بیانی دیگر، نقشه های شناختی روشی برای سازماندهی و ذخیره اطلاعات فضایی هستند و اجازه می



شکل (۱) چارچوب نظری پژوهش



ضعیف‌تر) در برخی از حیطه‌های هوش هیجانی داشته باشند، اما در سطح کلی با یکدیگر برابرند. حبیب و حنایی (۱۳۹۲) در هنگام مسیریابی فرد ناظر، مطالعات را از محیط دریافت نموده و با تحلیل مطالعات، تالش در پیدا کردن مقصد دارد. از سویی دیگر، مطالعات دریافتی از محیط در افراد مختلف بر اساس ویژگی‌های محیطی و فردی به‌خصوص در جنسیت‌های مختلف مرد و یا زن متفاوت است. استفاده از عوامل راهنمای مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری برای انتخاب مسیر، منجر به ایجاد الگوهای مسیریابی متفاوت در میان مردان و زنان می‌شود. قمری و همکاران (۱۳۹۳) با توجه به اینکه بانوان در پیچیده، سردرگم می‌شوند. فضاهایی که ساده نیستند و هیجان بالایی دارند، جهت حضور و فعالیت آن‌ها بری ساعات طولانی نامناسب هستند. ادراک زنان جزء گرا و مردان کل گرا هستند.

روش تحقیق

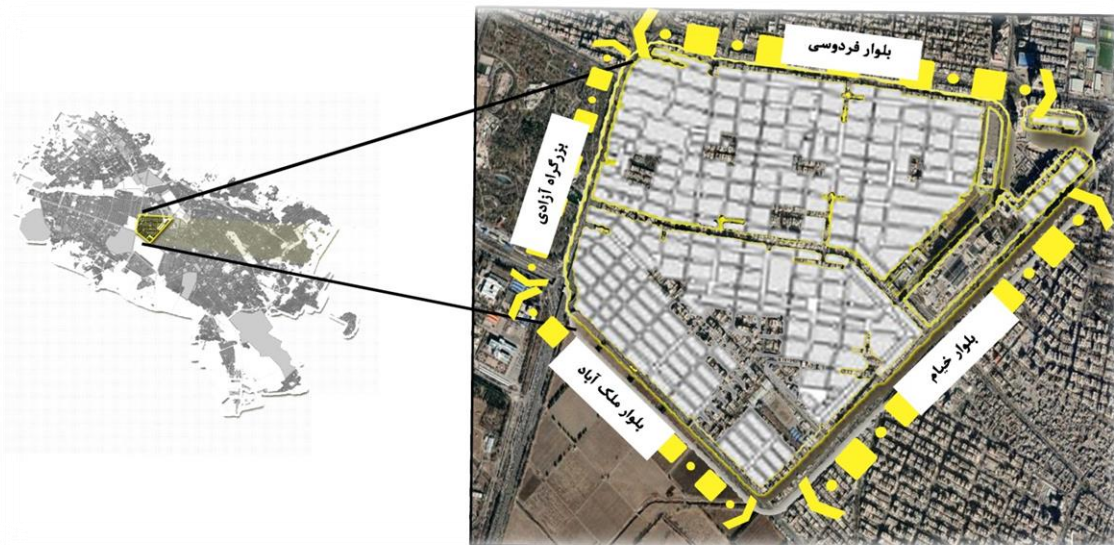
روش پژوهش در این مطالعه از حیث هدف کاربردی است زیرا به دنبال بررسی رفتار مسیریابی در زنان و مردان با تأکید بر هوش هیجانی است و از نظر ماهیت پژوهش از نوع پیمایشی است. به‌منظور گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای میدانی، مشاهده و پر کردن پرسشنامه بر اساس شاخص‌های چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است. روایی سؤالات پرسشنامه بر اساس دیدگاه متخصصان و خبرگان با اصلاحات نهایی انجام شده است و به‌منظور بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آن با عدد ۰,۹۱۳ نشان‌دهنده پایایی است. سؤالات پرسشنامه با توجه به هر گویه بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم تنظیم شده است. سؤالات پرسش‌نامه در دو بخش که بخش اول شامل سؤالات فردی و عمومی پاسخ‌گویان و در بخش دوم شامل سؤالات در مورد رفتار مسیریابی نان و مردان تدوین گردیده است. در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک پرسش‌نامه نقشه‌های شناختی ترسیمی به صورت کروکی در محله سجاد تکمیل شده است. رای‌سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه استاندارد بریو گریوز استفاده شده است. اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۹۶ نفر با خطای نمونه‌گیری ۰,۰۵ محاسبه شده است. برای تحلیل

استفاده می‌شود بلکه برای تفسیر شرایط محیطی مورد استفاده است. نقشه برداری شناختی ظرفیت پردازش اطلاعات اضافی را که به آن اختصاص دارد، وارد می‌کند نمایندگی فضایی مکان‌هایی که در یک زمان درک نمی‌شوند (Demirbas, 2001).

با توجه بررسی ادبیات نظری درخصوص هوش هیجانی، مسیریابی و جنسیت، چارچوب نظری پژوهش در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

پیشینه پژوهش

محمدزاده و خادمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی هوش هیجانی دختران و پسران پرداختند که دخترها در مقایسه با پسرها از مهارت‌های اجتماعی بیشتری برخوردارند. سپاهیان و شیخ الاسلامی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به دختران انتخاب‌های مفیدتری نسبت به پسران دارند طبق پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه تفاوت‌های جنسیتی، دختران به دلیل رشد سریع‌تر نواحی مغزی که مربوط به اخذ تصمیم است در مقایسه با پسران تصمیمات مطلوب‌تری می‌گیرند شرایط تصمیم‌گیری بر انتخاب‌های زنان و مردان به گونه متفاوتی اعمال نفوذ می‌کند. امیری و پرتابیان (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی نشان دادند که در مؤلفه‌های خودآگاهی و کل هوش هیجانی و میزان همبستگی پسران بیشتر از دختران، در مؤلفه مهارت اجتماعی، میزان همبستگی دختران بیشتر از پسران است. بنی‌هاشمیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که هوش هیجانی زنان بیشتر از مردان است. مردان باعث ایجاد خصوصیات از جمله همدلی، رفتارهای حمایتی و انعطاف‌پذیری هیجانی می‌شود. رضایی و همکاران (۱۳۹۲) بیان می‌دارند زنان در مقایسه با مردان در ابراز و ادراک هیجانات و استفاده از مهارت‌های درون فردی تبحر بیشتری دارند. آن‌ها خودآگاهی هیجانی بالاتری دارند و در تشخیص هیجانات و احساسات خود بهتر عمل می‌کنند. حسینی و باقری (۱۳۹۶) بیان نمودند که زنان در ارتباط برقرار کردن و سازگاری نسبت به مردان برتری دارند. امینیایی و شهابی (۱۳۹۲) در پژوهش خود بیان نمودند که ممکن است که مردان و زنان نیمرخ‌های متفاوتی (چه قوی‌تر و چه



شکل شماره ۲) معرفی محدوده مورد مطالعه

بزرگمهر را اشاره نمود. با توجه به اینکه در جداره‌ها و نمای ابنیه در این محور از رنگ‌های مختلفی و کاربری‌های مختلفی استفاده گردیده است این خیابان به‌عنوان محور مورد مطالعه انتخاب گردیده است. (شکل شماره ۲)

یافته‌ها

به منظور تحلیل اطلاعات در ابتدا پرسشنامه از طریق آمار توصیفی مورد تحلیل قرار گرفت و سپس با روی هم اندازی آنها نقشه‌های شناختی بر مبنای جنسیت تحلیل شد. در این قسمت برای شناخت بیشتر متغیرهای مورد بررسی و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده، یافته‌های توصیفی حاصل از بررسی مانند جداول میانگین، انحراف معیار متغیرهای اصلی تحقیق، مشاهده طی جداول مربوطه ارائه می‌شود. با بررسی‌های صورت گرفته در **جدول شماره ۲** شناخت فضایی در اولویت اول در مقدار انحراف معیار دارد و در ادامه می‌توان به مسیریابی اشاره نمود. انحراف معیار حالات روحی و توانایی فضایی با اندک فاصله اولویت سوم در آمار توصیفی را دارا می‌باشند. به‌طور کلی با بررسی جدول ذیل می‌توان به انحراف معیار متغیر هوش هیجانی که ۰٫۵۷۹ اشاره نمود در ادامه متغیر مسیریابی مقدار انحراف معیار ۰٫۶۵۴ است.

آمار استنباطی هنگامی موضوعیت پیدا می‌کند که نمونه‌گیری وجود داشته باشد. پس از بررسی آمار توصیفی در ادامه با استفاده از آمار استنباطی، ابتدا نرمال بودن داده‌ها، سپس

داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس یک‌سویه (آنوا)، آزمون تی وابسته، آزمون فرضیات کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است؛ و اولویت‌بندی شاخص‌ها و سطح معناداری شاخص‌ها با استفاده از آزمون دانکن تحلیل گردیده است. در **جدول شماره ۱** ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق بررسی شده است.

جدول ۱) ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ متغیرها
مسیریابی	۱۹-۱	۰٫۸۶۰
هوش هیجانی	۲۸-۱	۰٫۷۹۱
کل پرسشنامه	۴۷	۰٫۹۱۳

محل سجاد در حوزه میانی غربی شهر مشهد، حدفاصل خیابان‌های آزادی، ملک‌آباد، خیام و فردوسی قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۵، ۲۶۳۶۵ نفر جمعیت داشته و مهم‌ترین محور فعالیتی در این محدوده خیابان سجاد است. کاربری‌ها در جداره این خیابان به‌صورت تجاری‌های در سطح شهر فعالیت می‌کنند. اغلب فعالیت‌های تجاری در حاشیه این بلوار شامل مجتمع‌های تجاری پوشاک است. از کاربری‌های شاخص در سطح حوزه مداخله می‌توان به سازمان هلال احمر، بیمارستان مادر، انتشارات استان قدس، دفتر مرکزی روزنامه خراسان، هتل هما، دانشکده پیراپزشکی، مجموعه‌های ورزشی سجاد و

می‌توان به ارتباط توانایی فضایی، شناخت فضایی و مسیریابی اشاره نمود. با تشریح متغیر توانایی که شامل جهت‌گیری، استفاده از جهات جغرافیایی، آشنایی با محیط اشاره نمود که از جمله نکات قابل توجه در مسیریابی است. حالات روحی فرد در رفتار مسیریابی، شناخت فضایی و توانایی فضایی تأثیرگذار است. بدین صورت که هرچه انسان آرام‌تر باشد مسیریابی آسانی دارد و بالعکس. در ادامه به تحلیل رفتار مسیریابی زنان

جدول ۴) ماتریس همبستگی متغیرها

متغیر	مسیریابی	شناخت فضایی	توانایی فضایی	حالات روحی	هوش هیجانی	مسیریابی کل
مسیر یابی	۱					
شناخت فضایی	۰.۸۷۱	۱				
توانایی فضایی	۰.۷۰۵	۰.۶۵۵	۱			
حالات روحی	۰.۶۹۸	۰.۶۸۱	۰.۵۵۸	۱		
هوش هیجانی	۰.۸۹	۰.۸۸۷	۰.۸۱۳	۰.۸۷۵	۱	
مسیر یابی کل	۰.۹۳۸	۰.۹۲۷	۰.۸۱۶	۰.۸۲۹	۰.۹۸۴	۱

P.C : Pearson Correlation

و مردان در فضای شهری پرداخته شده است زنان با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از دانش نشانه در مسیریابی استفاده می‌نمایند. در ادامه مردان نیز از دانش مسیر در مسیریابی خود استفاده می‌نمایند. درک و استفاده از دانش پیمایشی مسیریابی مردان نسبت به زنان برتری دارد.

بین هوش هیجانی و مسیریابی رابطه معناداری وجود دارد.

برای بررسی این موضوع که رابطه‌ای بین دو متغیر به لحاظ آماری معنادار است یا خیر، فرضیه را می‌آزماییم. (**جدول شماره ۵**)

جدول شماره ۵) بررسی مقدار همبستگی

بین متغیرهای مسیریابی زنان و مردان و هوش هیجانی

مسیریابی	ضریب همبستگی	هوش هیجانی
۰.۹۸۴	سطح معناداری	
۰.۰۰۱	تعداد	۲۹۶

جدول ۲) آمار توصیفی ابعاد متغیر مسیریابی

متغیر	سؤالات	میانگین	انحراف معیار
مسیریابی	۱-۵	۳.۹۶۳	۰.۷۵۷
شناخت فضایی	۶-۱۰	۳.۹۴۹	۰.۸۷۹
توانایی فضایی	۱۱-۱۵	۴.۰۵۱	۰.۶۴۱
حالات روحی	۱۶-۱۹	۳.۴۲۸	۰.۶۸۳
هوش هیجانی	۲۸	۳.۵۱۲	۰.۵۷۹
مسیریابی	۱۹	۳.۸۴۸	۰.۶۵۴

همبستگی متغیرها و در نهایت فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. پیش‌نیاز انجام تمامی آزمون‌های پارامتری، نرمال بودن توزیع آماری متغیرهاست. به‌طور کلی می‌توان گفت که آزمون‌های پارامتری، عموماً بر میانگین و انحراف معیار استوارند. حال اگر توزیع جامعه نرمال نباشد، نمی‌توان استنباط درست از نتایج داشت. برای آزمون نرمال بودن متغیرها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید که نتایج آن در جدول زیر ارائه گردیده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد با توجه به سطح معناداری آزمون که بیشتر از ۰/۰۵ است فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود و باید از آزمون‌های پارامتریک برای آزمون فرضیات استفاده کرد.

جدول ۳) نتایج آزمون نرمال بودن داده‌ها

بر اساس آزمون کولموگروف اسمیرنوف

نام متغیر	سطح معنی‌داری
هوش هیجانی	۰.۱۱۰
مسیریابی	۰.۰۷۲

همان‌طور که در **جدول شماره ۳** مشاهده می‌شود سطح معناداری تمامی متغیرها کمتر از ۰.۰۵ است و نشان‌دهنده آن است که تمامی متغیرها با یکدیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط دارند. همچنین ضرایب همبستگی مثبت نشان از رابطه مستقیم متغیرها است و هر چه ضریب همبستگی بیشتر باشد رابطه بین دو متغیر نیز بیشتر است.

با بررسی‌های صورت گرفته در ماتریس همبستگی مقوله‌های مسیریابی و هوش هیجانی همان‌طور که ماتریس نشان می‌دهد متغیر شناخت فضایی با متغیر مسیریابی ارتباط مستقیم دارد.

(جدول شماره ۴)

در جهت تحلیل این ارتباط می‌توان استفاده مردان از مسیرها و زنان از نشانه را در فرآیند مسیریابی ذکر کرد. در ادامه

است. قبل از انجام این آزمون باید برابری واریانس‌های دو گروه در دو متغیر بررسی شود. (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶ آزمون لون و برابری واریانس‌ها

متغیر	آماره لون	df1	df2	سطح معناداری
هوش هیجانی	۰,۰۷۱	۱,۰۰۰	۲۹۴,۰۰۰	۰,۷۹۰

با توجه به نتایج آزمون لون مشخص است که سطح معناداری (sig) بالاتر از مقدار 0.05 است یعنی فرض H_1 رد و فرض H_0 پذیرفته می‌شود؛ بنابراین واریانس گروه‌های مستقل زنان و مردان در متغیر هوش هیجانی باهم برابر هستند. با توجه به اینکه هیجان بنیان مؤلفه‌های روان‌شناختی شامل ارزیابی شناخت، انگیزه‌ها و موقعیت‌هاست. بنابراین در بررسی‌های صورت گرفته در تحلیل داده‌ها به این نتیجه دست‌یافتیم که مردان هوش هیجانی بالاتری نسبت به زنان دارند، بنابراین با توجه به اینکه هوش هیجانی و سلامت عمومی در ارتباط مستقیم با یکدیگر می‌باشند با توجه به هوش هیجانی بالا مردان، سلامت عمومی بیشتری دارند در ادامه می‌توان به بالابود ایجاد همدلی، رفتارهای حمایتی و انعطاف‌پذیری مردان در رفتارهایشان اشاره نمود. در ادامه می‌توان به پایین بودن هوش هیجانی زنان اشاره نمود. زنان از نظر مؤلفه‌های هیجانی وضعیت مطلوب‌تری دارند و مهارت‌های بین فردی دختران بیشتر از مردان است. خودآگاهی و خود انگیزگی، همدلی و مهارت‌های ارتباط دختران بالاتر از مردان است. بنابراین در فرآیند مسیریابی زنان از آدرس پرسیدن برای دسترسی به مقصد خود استفاده می‌کنند. زنان در مقایسه با مردان در ابراز ادراک و هیجانات و ویژگی‌های درون فردی تبحر بیشتری از دارند. خودآگاهی زنان نسبت به مردان بالاتر است. با توجه اینکه مردان در فضاهای شهری و به لحاظ روان‌شناختی استقلال و انعطاف بیشتری دارند و همچنین مهارت‌های میان فردی-بالاتری نسبت به زنان دارند، در هنگام مسیریابی از مسیرهای مختلف استفاده می‌کنند.

نشان‌دهنده مقدار ضریب همبستگی میان دو متغیر مورد بررسی در جامعه است. با مقایسه سطح معناداری به دست آمده با ضریب خطای ۰,۰۵ (کمتر از ۰,۰۵) می‌توان نتیجه گرفت بین مسیریابی زنان و مردان و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در بررسی ارتباط عبارت از ۰,۹۸۴ با توجه به مثبت بودن عدد ضریب همبستگی نشان از وجود رابطه مستقیم است به این معنا که با افزایش هوش هیجانی، مسیریابی زنان و مردان تغییر می‌یابد. هوش هیجانی دارای ابعاد گوناگونی است که عبارتند از: شناخت هیجان‌ها، درک هیجان‌ها، تنظیم هیجان‌ها و استفاده از هیجان‌ها که داشتن این مهارت‌ها می‌تواند برای فرد نتایج مثبتی به همراه بیاورد. مؤلفه‌های هوش هیجانی شامل مؤلفه درون فردی، مؤلفه‌های میان فردی، مؤلفه سازگاری، مؤلفه اداره کنترل تنش‌ها و مؤلفه خلق‌وخوی عمومی است که مؤلفه درون فردی توانایی‌های شخص را در آگاهی هیجان‌ها و کنترل آن‌ها مشخص می‌کند. مؤلفه‌های میان فردی توانایی‌های شخص را برای سازگاری با دیگران و مهارت‌های اجتماعی بررسی می‌کند. در نتیجه بین مسیریابی زنان و مردان و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه هوش هیجانی شامل توانایی ما در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی است و با سبک تصمیم‌گیری افراد نیز ارتباط دارد و سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عادی است که زنان و مردان در مسیریابی استفاده می‌نمایند در ادامه می‌توان به سبک تصمیم‌گیری زنان و مردان با رویکرد شخصیتی آن‌ها و درک و واکنش و وظیفه تصمیم‌گیری خود اشاره نمود. زنان خودکنترلی، خودآگاهی و هوشیاری بالاتری از مردان دارند و بنابراین مسیریابی آسان‌تری نسبت به مردان در فضای شهری دارند. مهارت‌های هیجانی از قبیل ادراک، بیان دقیق هیجان‌ها، تلفیق آن‌ها با فرآیندهای شناختی مردان و زنان تا حدی به هم شبیه است این توصیف ممکن است به دلیل اینکه مردان و زنان نیمرخ‌های متفاوتی چه قوی و چه ضعیف در برخی از حیطه‌های هوش هیجانی داشته باشد اما در سطح کلی باهم برابرند. برای بررسی فرضیه وجود رابطه اختلاف معنادار بین هوش هیجانی زنان و مردان از آزمون لون استفاده شده

پیشگیرانه به منظور حصول به هدف خاص که در این پژوهش مسیریابی موفق است با حداقل ریسک ممکن انجام شود. با توجه به اینکه فرایند مسیریابی، فرآیندی است که از دریافت اطلاعات، تصمیم‌گیری و اجرا تشکیل شده است بنابراین از جمله مؤلفه‌های هوش هیجانی تصمیم‌گیری است که شامل شناسایی مسئله، پیدا کردن راه‌حل، انتخاب و اعمال راه‌حل است که همگام با فرآیند مسیریابی انسان در فضای شهری است.

تحلیل نقشه های شناختی بر مبنای جنسیت: نشانه ها

و معابر در نقشه های شناختی زنان و مردان

با بررسی های صورت گرفته در نقشه های شناختی زنان و مردان، از جمله عناصر مورد توجه در نقشه شناختی زنان و مردان می توان به نشانه هایی همچون بانک ملی، بستنی عسل، پلافروشی ها، پاساژها و آب انار ملس اشاره نمود. معابر مورد توجه در نقشه شناختی زنان و مردان شامل بلوار فردوسی، خیام، آزادی، ملک آباد و همچنین گره ترافیکی فلکه پارک اشاره نمود. (جدول شماره ۸)

با بررسی های صورت گرفته در نقشه های شناختی زنان و مردان می توان به این نتیجه رسید که زنان به عناصری که کالبد متمایزی نسبت به سایر ابنیه در محیط دارند توجه بیشتری دارند. بنابراین از جمله نشانه هایی که مورد توجه زنان در امر مسیریابی آنان قابل توجه است می توان به بانک ملی، آب انار ملس و مجتمع بنتون اشاره نمود. در ادامه می توان کاربری هایی متمایز با سایر کاربری ها را نیز مورد نظر قرار داد. بنابراین زنان در امر مسیریابی به پلافروشی ها اشاره نمودند. پاساژها با توجه به کاربری تجاری نیز از جمله مراکز

سطح معنی‌داری به دست آمده نشان می‌دهد میان هوش هیجانی زنان و مردان رابطه معنی‌داری وجود دارد. ($P < 0.05$). همچنین با توجه به اطلاعات مندرج در **جدول شماره ۷** می‌توان دریافت که بر اساس مقدار sig که کمتر از 0.05 است در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می‌شود؛ یعنی بین هوش هیجانی زنان و مردان اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۷) آزمون F تحلیل واریانس یک طرفه یا ANOVA

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروه‌ها	۱۷۰۶	۱۰۰۰	۱۷۰۶	۵۶۳۰	۰۰۱۸
درون گروه‌ها	۸۹۰۹۴	۲۹۴۰۰۰	۰۳۰۳		
کل	۹۰۸۰۰	۲۹۵۰۰۰			

با توجه به اینکه هوش ظرفیت به کارگیری تفکر انتزاعی است و توانایی کلی در یادگیری و انطباق محیط است و هوش هیجانی به عنوان زیرمجموعه‌ای مفهوم هوش که شامل آریه‌ای قابلیت‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های غیر شناختی است که بر توانایی تشخیص تأثیر می‌گذرند تا در کنار آمدن با اضطرار و فشارهای محیطی موفق شود. در این خصوص با توجه به اینکه مسیریابی رفتاری در محیط است. هوش هیجانی در این رفتار تأثیر مستقیم در محیط شهری می‌گذارد. در ادامه به توجه به اینکه انتخاب یک‌راه از میان دو یا چند گزینه در یک رفتار

جدول شماره ۸) نشانه ها و معابر در نقشه های شناختی زنان و مردان

جنسیت	نشانه ها											
	بانک ملی	بستنی عسل	پلافروشی ها	پاساژها	مجتمع بار تاوا	مجتمع بنتون	آب انار ملس	فردوسی	خیام	آزادی	ملک آباد	فلکه پارک
زنان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
مردان	✓	✓					✓	✓	✓	✓	✓	✓

دارند. (جدول شماره ۹ و شکل های شماره ۳ و ۴) مردان در حوزه درون فردی، انعطاف پذیری و مدیریت استرس نمره بالاتری دارند، زنان در حوزه بین فردی نمرات بالاتری دارند، زنان بیشتر از هیجانانگیزان دیگران آگاهند و همدلی بیشتری نشان می دهند و روابط بین فردی بهتری دارند. برعکس مردان عزت نفس بالاتری دارند و بیشتر مستقل اند و استرس را بهتر تحمل می کنند و انعطاف پذیری بیشتری دارند و در حل مسئله بهتر عمل می کنند.

نتیجه گیری

تفاوت های جنسیتی در فضای عمومی شهری می توانند سر منشان بسیاری از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. ادراک و دریافت حسی زنان برتر از مردان است. فرآیند ادراک مردان از محیط شهری به صورت کل به جزء است؛ یعنی ابتدا کلیت درک می شود سپس به جزئیات توجه می شود. کل چند بیش از جمع جبری آن است؛ اما در اغلب زنان فرآیند ادراک جزء به کل است. الگوی رفتاری زنان و مردان در فضای شهری متفاوت است و با توجه به این امر، جنسیت عامل مؤثری در بروز رفتار مسیریابی در فضای شهری است. مردان ویژگی هایی از محیط که بیشتر با حس بینایی در ارتباط است را درک می کنند و زنان ویژگی هایی که با سایر حواس در ارتباط است را ادراک می کنند. بنابراین زنان در این فرآیند برای مسیریابی خود از دانش نشانه و دانش پیمایشی استفاده می نمایند در این فرآیند به ویژگی های هندسی، نشانه ها شاخص توجه دارند. هوش هیجانی زنان دارای مؤلفه هایی است که می توان به خود آگاهی، خود انگیزی و خود کنترلی در فضای شهری اشاره نمود. مردان در مسیریابی خود به واسطه استقلال، انعطاف پذیری و همدلی مسیریابی مطلوبی نسبت به زنان دارند، زنان از نشانه های سکانس بندی که ادراک نموده اند، مسیریابی می نمایند. (شکل شماره ۵)

مردان با توجه به اعتماد به نفس بالاتر از دانش مسیر استفاده می کنند و شناخت فضایی بالاتری از زنان در فرآیند مسیریابی دارند که می توان به چرخش ذهنی و همچنین تشخیص موقعیت قرارگیری و استفاده از حافظه اشاره نمود.

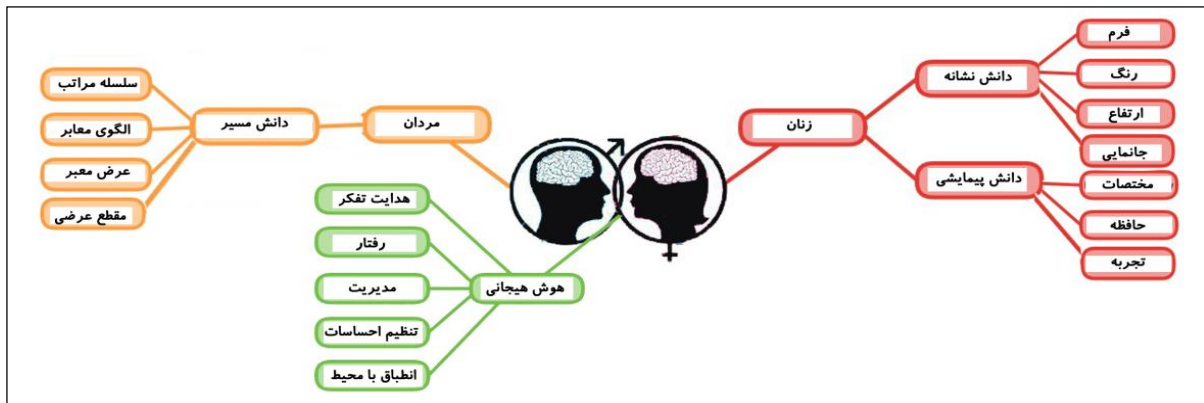
بوده اند که مورد توجه زنان در امر مسیریابی بوده اند. زنان در مسیریابی کمتر از مردان به معابر توجه می نمایند. بنابراین از جمله معابر مورد توجه در مسیریابی آنان می توان به بلوار خیام و بلوار فردوسی که در شمال و شرق محدوده می باشند اشاره نموده اند. مردان در نقشه های شناختی خود بیشتر به نشانه هایی که کالبد منحصر به فرد دارند اشاره نموده اند از جمله این نشانه ها می توان به بانک ملی و بستنی عسل و آب انار ملس به واسطه ی رنگ به کاررفته در نمای بناها و همچنین سبک معماری خاص اشاره نموده اند. مردان اغلب در مسیریابی بر محور دانش مسیر تکیه می نمایند بنابراین در مسیریابی خود و نقشه های شناختی آنان به معابر توجه خاصی شده است.

انواع راهبرد مسیریابی در زنان و مردان

راهبرد مسیریابی به صورت سه گانه مدل LRS که در ادبیات نظری به آن پرداخته شد، انجام می شود. تحلیل نقشه های شناختی حکایت از وجود تفاوت استفاده از راهبرد های مسیریابی در میان زنان و مردان دارد. مردان در مسیریابی خود از راهبرد مسیر استفاده می نمایند و در نقشه های شناختی خود به معابر توجه خاصی دارند. زنان در نقشه های شناختی خود با استفاده از راهبرد نشانه و پیمایشی تعیین مسیر می کنند. در تحلیل نقشه های ترسیمی آنها گاهی تنها با نشانه ها و یا معابر مسیریابی می کنند و در مواردی راهبرد پیمایشی

جدول شماره ۹) انواع راهبرد های مسیریابی زنان و مردان

جنسیت	راهبرد مسیر	راهبرد نشانه	راهبرد پیمایشی
زنان	-	دنبال کردن نشانه ها در فواصل مشخص	اهمیت راهبرد پیمایشی تشخیص جهت بسیار خوب توانایی در برقراری ارتباط میان نشانه ها
مردان	استفاده از معابر اصلی و فرعی و استخوان بندی معابر در نقشه های شناختی	-	-



شکل شماره ۳) تفاوت مسیریابی مردان و زنان با تأکید بر هوش هیجانی



شکل شماره ۴) تفاوت مسیریابی مردان و زنان در محله سجاد شهر مشهد با تأکید بر هوش هیجانی

عوامل محیطی	شرایط روحی	شناخت فضایی	استراتژی مسیریابی	هوش هیجانی	جنسیت
کالبدی-بصری	مدیریت احساسات	ویژگی هندسی توجه به نشانه‌ها	دانش نشانه دانش پیمایشی	خودآگاهی خودانگیزی خودکنترلی	زنان
ادراکی-معنایی	اعتماد به نفس	چرخش ذهنی نسخه‌بینی موقعیت فرارگیری حافظه	دانش مسیر	همدلی انعطاف پذیری استقلال	مردان

شکل شماره ۵) رفتار مسیریابی مردان و زنان با توجه به مولفه‌های مسیریابی و هوش هیجانی

جعفری، زهره، بررسی رابطه هوش هیجانی و مولفه های آن با گرایش خودکشی در نوجوانان ۱۷-۱۸ ساله شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا

دنیوی راد، م.، تدقیق چارچوب طراحی شهری با تاکید بر عوامل کالبدی موثر بر مسیریابی افراد پیاده در محیط های شهری، پایان نامه مقطع ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۹۷.

رامین فرح، حقی، فائزه، پورسیدآقایی، زهرا، (۱۴۰۰) تبیین نظریه هوش هیجانی دانیل گلنن بر اساس آراء علامه طباطبایی (ره)، فصلنامه پژوهش های نوین دینی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۹۹.

رستگار خالد، امیر، ۱۳۸۹، تفاوت های جنسیتی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۸۹.

رضائی، روح الله، بادسار، محمد، صلاحی مقدم، نفیسه، رویکرد جنسیتی در سنجش رابطه هوش هیجانی و قابلیت های کارآفرینی دانشجویان، نشریه ی زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.

رضایی، محمد، در تاج، فریبرز، مهرعلیان، ابراهیم، ۱۳۹۵، رابطه هوش هیجانی بار-آن و مولفه های آن با دین داری نوجوانان، فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال دوازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان.

رنجبردار، سمیرا، ۱۳۸۹، هوش هیجانی و راه های افزایش آن، مشاور رشد، ۱۴:۳، ۱۴۰۱.

سلطانی فر، عاطفه، هوش هیجانی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره پس و پنجم و سی و ششم.

شکیبا، شیمافتی، لادن، فرید، علی، ۱۳۸۷، رابطه تیپ های روان شناختی و هوش هیجانی - اجتماعی: نکاتی کاربردی درباره هوش هیجانی، فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۴: ۶۲۵-۶۰۷.

شورچی گلنگدري، فاطمه، حسین ثابت، فریده، مهاجر، یحیی، بررسی تاثیر آموزش هوش هیجانی به روش درونگردی جذب و انطباق بر تاب آوری و پرخاشگری در دختران و پسران، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۹۲.

صفوی، محبوبه، موسوی لطفی، سیده مریم، لطفی، رضا، ۱۳۸۸، بررسی همبستگی بین هوش هیجانی و سازگاری عاطفی و اجتماعی در دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال چهاردهم، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۸۸.

کیا، علیرضا، حیدری، اعظم، ۱۳۹۵، بررسی رابطه بین هوش هیجانی با رشد تحصیلی در بین دانشجویان، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق) دوره ۱۱، شماره ۱، پاییز.

قمری، اخلاص، طلیسچی، غلامرضا، امیددژدار، رویکردی تحلیلی به بررسی جنسیت و تفاوت های آن در ادراک فضای کالبدی، نمونه موردی

مردان به عوامل محیطی در بعد ادراکی - معنایی اشاره دارند عناصری که در حافظه فضایی آن ها نقش بسته است در مسیریابی استفاده می کنند. مردان در مسیریابی از معابر استفاده می کنند. نشانه های محیطی نقش مستقیمی بر پیدا کردن مسیر در فضاهای شهری توسط زنان و مردان دارند و وجود نشانه های محیطی با نور زیاد، فرم خاص و یا المان خاص به عنوان نشانه در مسیر عمل می کنند. ساختمان های قرار گرفته در ابتدا و انتهای مسیر و ساختمان های بلند نقش مهمی در انتخاب مسیر دارند. قابلیت دسترسی در زنان برای حضور در فضای شهری مورد تأکید واقع است در ادامه مؤلفه های تشخیص راه، جهات جغرافیایی، گره، لبه، حوزة، نشانه، ساختار و پیکربندی واضح در مسیریابی مردان مشهود است.

فهرست منابع :

امیری، مهدی، پرتابیان، اکبر، رابطه مولفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان دانشگاه پیام نور با نقش تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات، نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۱۳-۲۳۷.

امینایی، علیرضا، شهبانی کاسب، محمدرضا، مقایسه ی هوش هیجانی منجیان غریق بر اساس جنسیت و سابقه، مطالعات روان شناسی ورزشی، شماره ۷، بهار ۱۳۹۳.

بنی هاشمیان، کوروش، بهرامی احسان، هادی، مؤذن، منصور، رابطه سلامت عمومی و هوش هیجانی مدیران و رضایت شغلی معلمان، مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.

حسینیان، سیمین، قاسم زاده، سوگند، نیکنام، ماندانا، ۱۳۹۰، پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن بر اساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره سوم، شماره ۹، زمستان.

حسین زاده، آسیه، علی زاده، سارا، خادمی، علی، موسی الرضایی، آرش، ۱۳۹۳، مقایسه ویژگی های شخصیتی و مولفه های هوش هیجانی در بیماران زن و مرد مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس (MS)، مجله ارومیه، دوره ۲۶، شماره ۱، فروردین ۱۳۹۴.

حنایی، تکتم، حبیب، فرح، چگونگی مسیریابی مردان و زنان در فضای شهری، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۶.



- emotional intelligence in young women**, Journal of Human Nutrition and Dietetics 2009.
- Davis,H, Cashdan,E, **Spatial cognition, navigation, and mobility among children in a forager-horticulturalist population, the Tsimane of Bolivia**, Cognitive Development 52 (2019) 100800.
- Demirbaş, Güler Ufuk Doğu, **SPATIAL FAMILIARITY AS A DIMENSION OF WAYFINDING, A THESIS FOR THE DEGREE OF DOCTOR OF PHILOSOPHY IN ART, DESIGN AND ARCHITECTURE**, September, 2001.
- Esnaola,I, Revuelta,L, Sarasa,M, **The development of emotional intelligence in adolescence**, anales de psicología, 2017, vol. 33, nº 2 (may), 327-333.
- Extremera,N, Fernández-Berrocal,P, Salovey,P, Spanish version of the Mayer-Salovey-Caruso **Emotional Intelligence Test (MSCEIT)**. Version 2.0: Reliabilities, age and gender differences, Psicothema 2006. Vol. 18, supl., pp. 42-48.
- Ewart, I. J., Johnson, H. (2021) **Virtual reality as a tool to investigate and predict occupant behaviour in the real world: the example of wayfinding**. ITcon, 26. pp. 286-302. ISSN 1874-4753 doi: <https://doi.org/10.36680/j.itcon.2021.016> Available at <http://centaur.reading.ac.uk/79744/>.
- G. GOLLEDGE, R. Daniel JACOBSON, Robert KITCHIN, and Mark BLADES, (2000)**Cognitive Maps, Spatial Abilities, and Human Wayfinding**, Geographical Review of Japan Vol. 73 (Ser. B), No. 2, 93-104.
- Irshad,sh,Perkis.A,Azam.W.(2021) **Wayfinding in Virtual Reality Serious Game: An Exploratory Study in the Context of User Perceived Experiences**, Appl. Sci. 2021, 11, 7822. <https://doi.org/10.3390/app11177822>.
- Khameh Masoomeh, Iraj Etessam, Azadeh Shahcheraghi, **The analysis of effective Wayfinding and Pathfinding process in the old cities in Iran**, Bagh- e Nazar, 13 (41):75-90/2016.
- Kitchin, R., Freundschuh, S. (2000). **Cognitive mapping**. In R. Kitchin & S. Freundschuh (Eds.), Cognitive mapping (pp. 1-8). New York: Routledge.
- Kuliga,S, Berwig,M, Roes,M,(2021) **Wayfinding in People with Alzheimer's Disease: Perspective Taking and Architectural Cognition—A Vision Paper on Future Dementia Care Research Opportunities**, Sustainability 2021, 13, 1084. <https://doi.org/10.3390/su13031084>.
- Kuipers, B. (1982). The "Map in the head" Metaphor. Environment and Behavior, 14(2), 202-220. doi: 10.1177/0013916584142005
- Lynch, Kevin (1960). **The Image of the City**. The MIT Press: Massachusetts Institute of Technology.
- Li,H, Xu,J, Zhang,X, Ma,F,(2021) **How Do Subway Signs Affect Pedestrians'Wayfinding Behavior through Visual Short-Term Memory**,
فرهنگسراهای شهر تهران، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۶.
- قلی زاده تهرانی، ندا، نوریان، محمد، شاه محمدی، نیره، تاثیر آموزش هوش هیجانی بر ارتقای هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران پزشکی در سال ۹۴-۱۳۹۳، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.
- گلشیری، پرستو، زمانی، احمد رضا، شیرانی، بیدآبادی، محمد، ارتباط هوش هیجانی و مولفه های روان شناختی در نوجوانان، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، دوره ۳۴، شماره ۴۰۹، بهمن و اسفند ۱۳۹۵.
- مرتضوی، شهرناز. ۱۳۸۰. روان شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نازی دیزجی، سجاده. ۱۳۹۱. بررسی رابطه هوش هیجانی و مهارتهای طراحی در دانشجویان معماری، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال هفتم، جلد ۷، شماره ۱، زمستان.
- هولمز، ماری. جنسیت و زندگی روزمره، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: افکار، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- Al-Haddad, Sara, Verghote, Antoine, Goodrum, Paul, **The effects of spatial cognition individual wayfinding performance**, vancouver Canada, May 31 – June 3, 2017/ Mai 31 – Juin 3, 2017.
- Bas,A, Dörfler,V,(2021) **INTUITIVE WAYFINDING AS AN APPROACH TO RESEARCH DESIGN**, University of Strathclyde Business School, UK Alina Bas Consulting.
- Bentley, L., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S. and Smith, G. (1985). **Responsive environments: A manual for designers**. Oxford: Butterworth Architecture.
- Chen,H, Sato,K, Zheng,M,(2021) **Differences in wayfinding performance across types of navigation aids and understanding of environmental information among travelers**, JOURNAL OF ASIAN ARCHITECTURE AND BUILDING ENGINEERING 2021, VOL. 20, NO. 4, 383–397 <https://doi.org/10.1080/13467581.2020.1799795>.
- Casakin, Hernan, Thomas Barkowsky, Alexander Klippel, and Christian Freksa. (2000). "Schematic Maps as Wayfinding Aids." Lecture Notes In Computer Science 1849: 54-71. doi: 10.1007/3-540-45460-8_5.
- Cashdan Elizabeth , Steven J C Gaulin, **Why Go There? Evolution of Mobility and Spatial Cognition in Women and Men : An Introduction to the Special Issue**, Springer Science+Business Media New York 2016, DOI 10.1007/s12110-015-9253-4.
- Costarelli, V., M. Demerzi & D. Stamou, **Disordered eating attitudes in relation to body image and**

- Passini, R., Proulx, G., & Rainville, C. (1990). **The spatio-cognitive abilities of the visually impaired population.** *Environment and Behavior*, 22 (1), 91-118. doi: 10.1177/0013916590221005 .
- Passini, R. (1981). **Wayfinding: A conceptual framework.** *Urban Ecology*, 5(1), 17-31.
- Srinivas, S., & Hirtle, S. C. (2007). **Knowledge Based Schematization of Route Directions.** In T. Barkowsky, M. Knauff, G. Ligozat & D. R. Montello (Eds.), *Spatial Cognition V* (Vol. 4387, pp. 346-364). Bremen, Germany: Springer.
- Ugoani, John N. N., Christain U. Amu, Emenike O. Kalu, **DIMENSIONS OF EMOTIONAL INTELLIGENCE AND TRANSFORMATIONAL LEADERSHIP: A CORRELATION ANALYSIS,** *INDEPENDENT JOURNAL OF MANAGEMENT & PRODUCTION (IJM&P)* v. 6, n. 2, April - June 2015.
- Xia J., C. Arrowsmith, M. Jackson, and W. Cartwright, **The wayfinding process relationships between decision-making and landmark utility,** *Tourism Management* 29 (2008): 445-457.
- Zomer, L. (2021). **Unravelling Urban Wayfinding: Studies on the development of spatial knowledge, activity patterns, and route dynamics of cyclists.** <https://doi.org/10.4233/uuid:122bcbc0-72c6-4ab9-8aeae39716961f46>.
- Sustainability 2021, 13, 6866. <https://doi.org/10.3390/su13126866>.
- Megan E. Martin, **The Relationship Between Way-Finding Strategies, Spatial Anxiety, and Prior Experiences** (2017). Brescia Psychology Undergraduate Honours Theses. 9.
- Nasir, maliha, Masrur.R. **An exploration of emotional intelligence of the students of IIUI in relation to gender, age and academic achirvement.** *Bulletin of Education and Research* June 2010, Vol. 32, No. 1 pp 37-51,
- Nayak, M, **Impact of culture linked gender and age on emotional intelligence of higher secondary school adolescents,** *International Journal of Advancements in Research & Technology*, Volume 3, Issue 9, September -2014.
- Shipley, N, Jo Jackson, M, Larisa Segrest, sh, **The effects of emotional intelligence, age, work experience, and academic performance,** *Research in Higher Education Journal*.
- Verma, p, Dash, P, **Gender and Emotional Intelligence of Collage going students,** *The International Journal of Indian Psychology: Volume: 01 | Issue: 04 | ISSN 2348-5396, 2014.*
- Preeti, B, **Role of Emotional Intelligence for Academic Achievement for Students,** *Research Journal of Educational Sciences*, ISSN 2321-0508. Vol. 1(2), 8-12, May (2013).
- Passini, R. (1984a). **Wayfinding in Architecture.** NY: Van Znostrand Reinhold.